

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح دعای ابوحمزه ثمالی از آیت الله جوادی آملی دامت برکاته (قسمت دوم)

الهی! لا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ. مِنْ إِيْنٍ لِي الْخَيْرُ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ. وَمِنْ إِيْنٍ لِي النِّجَاحُ يَا رَبِّي وَلَا تَسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ. لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عُونِكَ وَرَحْمَتِكَ. وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

مِنْ إِيْنٍ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

مِنْ إِيْنٍ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

این بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان م شخص مانند ماه مبارک رم ضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . بِ سَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . وَإِذَا سَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَالْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

بحث در شرح دعای نورانی و مناجات امام سجاد سلام الله علیه در سحرهای ماه رمضان بود. چون انسان تبهکار تا طاهر نشود راه قرب الهی به سوی او گشوده نخواهد شد. در طلوعه این دعا به ما آموخت که از ذات اقدس إله طلب عفو و بخشایش کنیم . وجود مبارک امام سجاد به ذات اقدس إله عرض کرد:

الهی! لا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ. مِنْ إِيْنٍ لِي الْخَيْرُ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ. وَمِنْ إِيْنٍ لِي النِّجَاحُ يَا رَبِّي وَلَا تَسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ. لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عُونِكَ وَرَحْمَتِكَ. وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

یعنی خدایا! گرچه ما در اثر گناه استحقاق داریم که به عقب و به دنبال گناه عقوبت بشویم. آن تنبیه و کیفر را می گویند: (عقوبت) . چون تعاقب و در عقب گناه پدید می آید. عرض می کند که ما در اثر گناه گرچه استحقاق تأدیب داریم که ما را آدب بکنی و گرچه در اثر کارهای ناروا که کردیم استحقاق داریم که شما با آن حیلَت الهی و مکر الهی که و مَكْرُوا و مَكْرَ اللَّهُ و اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ، مکر کنی و با حیلَتی که داری نگذاری ما به مقصد مشئوم مان برسیم . چون خداوند حائل خوبی است.

نمی گذارد افراد به آن مقصد مشئوم شان برسند. و مکر هم استفاده کردن از وسائل مرموز است. خدا تمام وسائل را در اختیار دارد و عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لَتَنْزُولُ مِنْهُ الْجِبَالُ. چون این چنین است خداوند توان آن را دارد که مکر ماکران را به خود آنها برگرداند. و نگذارد با ایجاد آن حائل که آن حائل را و ایجاد حائل را حیلوله و حیلَه می گویند، نگذارد با ایجاد حائل کسی به مقصد برسد. امام سجاد سلام الله علیه عرض می کند: خدایا! ما را در اثر گناهانمان عقوبت نکن! در اثر مکر و بدرفتاری مان مبتلا به مکر و حیلَه خود قرار نده! هیچ کس به هیچ مقصدی نرسیده است، مگر به فیض و فوز تو! و هیچ کسی از شر نرهیده است، به خیر نرسیده است، مگر به عنایت تو .

امام سجاد سلام الله عليه عرض می کند: خدایا! ما را در اثر گناهانمان عقوبت نکن! در اثر مکر و بدرفتاری مان مبتلا به مکر و حيله خود قرار نده! هیچ کس به هیچ مقصدی نرسیده است، مگر به فیض و فوز تو! و هیچ کسی از شر نرهیده است، به خیر نرسیده است، مگر به عنایت تو.

مِنْ إِيْنِي لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

اگر خیر به دست توست و در غیر تو، در نزد غیر تو خیری نیست، ما از کجا خیر را فراهم بکنیم؟

مِنْ إِيْنِي لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

نه پیش ماست، نه پیش دیگران. و اگر کسی گناه کرد و خواست نجات پیدا کند، راه نجات نه پیش خود گناه کار است، نه پیش دیگران.

وَمِنْ إِيْنِي لِي النِّجَاهُ يَا رَبِّي وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

هیچ کسی توان رهایی از عذاب را ندارد، مگر به فیض خاص تو! نه آنها که راه خیر را طی کردند از تو بی نیاز بودند، نه آنها که راه تباهی و تیرگی را طی کردند، از قلمرو قدرت تو بیرون بودند.

بر اساس کریمه: مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ هر که هر چه دارد در کنار سفره تو دارد. بر اساس آیاتی که وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا و آیاتی از قبیل "وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ" و مانند آن هیچ کس نمی تواند قدرت اله را جلو بزند و قدرت اله را عاجز کند. هیچ کس معجز خدا نیست که قدرت خدا را عاجز کند. هیچ کسی سابق نیست که قدرت خدا را لاحق کند. در این آیات قرائت شده ذات اقدس اله فرمود: لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا. آنها خیال نکنند جلو زدند. یا فرمود: وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ. بعد از این که این جمله ها گفته شد و روشن شد هیچ کسی قدرتی در قبال ذات اقدس اله ندارد و هیچ کسی بی نیاز از ذات اقدس اله نیست. هم پرهیزکاران به او نیازمندند، هم وارستگان از عذاب به او نیازمندند. آنگاه دستور داد چند بار کلمه (یا رَبِّ) را بگویند. آن کلمه یا رَبِّ را با یک نفس انسان بگوید. حالا سه بار، چهار بار، پنج بار این کلمه نورانی را گفتن عیب ندارد

آنگاه به آن جمله حساس و کلیدی این دعای نورانی ابوحمزه ثمالی می رسیم که

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

در نوبت قبل اشاره شد که برخی از جمله های این دعای نورانی ابوحمزه در حد کلید درهای دیگر است. یکی از آن جمله های کلیدی همین است که بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ. این بِكَ عَرَفْتُكَ را همه داعیان عرض می کنند: خدایا! به و سیله تو ما تو را شناختیم.

آنها که از آیات آفاقی مدد می گیرند، چون آیات آفاقی مخلوق خداست، دلالت انسان متفکر به آیات آفاقی مخلوق خداست، لذا به خدا عرض می کنند: ما به و سیله تو، تو را شناختیم. آنها که از آیات انفسی طرفی می بندند نشانه های روح و آیاتی که در جان انسان موجود است، مخلوق خداست، دلالت انسان به استفاده از آیات انفسی مخلوق خداست و آنها هم از راه عنایت های الهی به خدا رسیده اند. آنها که جامع بین آیات آفاقی و آیات انفسی اند به شرح ایضا. آنها هم می گویند: بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ. آنها که از این سه گروه بالاترند، آنها کسانی اند که به خصوص آیات آفاقی بسنده کنند، یا به خصوص آیات انفسی بسنده کنند، یا به جمع آیتین بسنده کنند، بلکه می خواهند خدا را با خود خدا بشناسند. آنها هم می گویند: بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ. این أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، یعنی خداوند برای این که روشن بشود، برای این که دیگران به خوبی درک بکنند خداوند حق است، خود را به آنها نشان می دهد. آنها با مشاهده خداوند، خداوند را می شناسند. نیازی به آیات آفاقی و انفسی نیست. در اینجا راه و هدف یکی است.

مَسْلُک و مَسْلُوکُ إِلَیْهِ یکی است. و چون سالک از خود خبری ندارد و خود را نمی‌بیند، خود را نمی‌بیند، سلوک خود را نمی‌بیند. فقط هدف را می‌بیند، در حقیقت مَسْلُک و هدف یکی خواهد بود. در بعضی از روایاتی که ذیل این بخش از آیات سوره مبارکه یوسف آمده است که أَنْتَ یُوسُفُ، آنجا وجود مبارک امام صادق طبق نقل صاحب تَحْفَ الْعُقُول این بیان نورانی را در شناخت خدا ذکر کرد که معرفت شاهد قبل از معرفت وصف اوست. یعنی ما شاهد را اول می‌شناسیم، بعد صفات او را می‌شناسیم. ولی اگر موجودی غائب بود، اول وصفش را می‌شناسیم، بعد ذاتش را می‌شناسیم. خلاصه آن حدیث این است که: شناخت ذات شاهد قبل از وصف اوست.

شناخت ذات غائب بعد از وصف اوست. بعد استشهاد می‌کند که برادران یوسف اول او را دیدند، بعد به یوسف بودن او پی بردند. أَنْتَ یُوسُفُ. نگفتند: یوسف توئی! گفتند: تو یوسفی؟ وجود مبارک امام صادق هم می‌فرماید به این که: خدا مشهود همه ماست. ما اول او را می‌شناسیم، بعد اوصاف او را می‌شناسیم. بعد آیات آفاقی و انفسی او را می‌شناسیم. چون این چنین است

این گروه چهارم که برترین گروه معرفتی‌اند، خدا را با خود خدا می‌شناسند.

این بِکَ عَرَفْتُکَ وَ أَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَیْکَ وَ لَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

برای این چهار گروه چهار مصداق مشخص دارد. جامع همه یکی است که انسان خدا را به و سیله خدا بشناسد. خدا راهنمای انسان است و اگر خدا کسی را راهنمایی نکند نمی‌تواند خدا را بشناسد. و خدا راهنمایی‌های فراوانی را اعمال کرده است. منتها این سالک مُتَطَرِّق است که باید از این راهها استفاده بکند و به مقصد برسد. پس همگان، همه این طوائف اربعه این جمله را می‌خوانند، منتها هر کس در حد خاص خود.

غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَکُمْ وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و تبیان

#گروه_صهبای_رمضان

معاونت فرهنگی تربیتی مرکز آموزش های غیرحضورى

<http://vufarhangi.whc.ir>